قدس زندگی
دوشنبه ۱ مهر ۱۳۹۸ | ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۹ | ۲۳ محرم ۱۴۴۱
سال سی و دوم | شماره ۹۰۶۹
ZENDEGI@QUDSONLINE.IR

حمیدرضا شکارسری بیان کرد

تعقل و خردگرایی؛ گفتمان امروز شعر دفاع مقدس

۱۲

پرسپولیس با شکست استقلال دوم شد

فتح دربی با تک تیرانداز مرموز

۱۰

عکس: مقداد مددی - تسنیم

روستاگردی

گُردان «میغان»

قدس زندگی: اجازه بدهید این بار جور دیگری روستاگردی کنیم. یعنی جوری که هم فال باشد و تماشا و هم خاطره‌بازی و عبرت‌آموزی. پیش از این میان آمار و ارقامی که هرساله و به مناسبت هفته دفاع مقدس منتشر می‌شود، دیده بودیم که روستای زیبای «شیخ صله» یکی از روستاهای صاحب رکورد در زمینه دفاع مقدس است. «شیخ صله» که در زلزله اخیر کرمانشاه آسیب زیادی دید، دوران جنگ نیز با ۶ بار بمباران شیمیایی توسط دشمن، رکورددار حملات شیمیایی شده بود.

جز این‌ها مثلاً روستای «لیلمانج» از توابع شهرستان سنقروکلیایی هم هست که اهالی‌اش معتقدند نسبت به جمعیتش، بیشترین شهید را در میان روستاهای استان کرمانشاه داشته است. جالب‌تر اینکه در زمان جنگ ۶۰۰ نفر از اهالی این روستا داوطلبانه به جبهه رفته‌اند. یعنی تقریباً همه جمعیت آن زمان روستا، رزمنده بوده‌اند.

در یکی دو روز اخیر اما «تسنیم» برگ جدیدی از روستاهای رکورددار در دوران دفاع مقدس را رونمایی کرد. روستای «میغان» که از توابع شهرستان شاهرود است و درسرشماری سال ۱۳۹۵ بزرگ‌ترین روستای استان سمنان هم نام‌گذاری شده، طبق آمار و اطلاعات رسمی، تا همین چند ماه پیش دومین روستای شهیدپرور کشور به حساب می‌آمد تا اینکه روستای «فردو» به شهر تبدیل شد و حالا «میغان» را باید پرشهیدترین روستای کشور بدانیم. «میغان» از ابتدای پیروزی انقلاب تا امروز ۹۷ شهید را تقدیم آب و خاک این کشور کرده است و جالب اینکه همه ۹۷ شهید این روستا در مبارزات داوطلبانه و در صحنه درگیری به شهادت رسیده‌اند و هیچ کدام متعلق به وقایع بمباران یا حوادث تروریستی دسته‌جمعی نیستند. نخستین شهید میغان در ۲۲ بهمن ۵۷ و آخرین آن‌ها در امنیت پایدار سال ۹۵ در زاهدان به شهادت رسیده‌است. مسئولان روستا می‌گویند با توجه به جمعیت فعلی میغان، تقریباً همه خانواده‌های روستا یک یا دو شهید را در میان خود و فامیل دارند و خانواده شهید به حساب می‌آیند. برخی بزرگ‌ترهای «میغان» روزهایی را به یاد می‌آورند که همزمان ۳۰۰ نفر از اهالی (معادل یک گردان) در جبهه‌های جنگ حضور داشتند.

ورزش

۱۰ ۱۱

سکوی سومی جهان را از تیم ملی گرفتند

ایران اسیر مافیای کشتی دنیا

اوضاع، بحرانی‌تر از همیشه برای بارسلونا

مشکلی که مسی هم نمی‌تواند حلش کند

بررسی دلایل ناکامی آبی ها در فصل جدید

«فتحی» کاپیتانِ مقصران اصلی

روزمره‌نگاری

برگ‌ریزان مبارک...

رقیه توسلی: یک دفتر ۵۰۰ برگ آبی رنگ دارم که روی جلدش نوشته‌ام «خوب‌ها و خوب‌ترها»... یکی دو سالی می‌شود روی دراور اتاق خواب جا خوش کرده تا هروقت که هِرّم بکشد چندخطی تویش بنویسم و تاریخی هم بیندازم انتهایش.

امروز یکی از آن روزهاست. اصلاً مگر می‌شود فصلی عوض شود... اتفاق مهمی رخ بدهد... پای دلتنگی وسط باشد... رویدادی بتکاندم و من نروم سراغ این دفتر نجات‌بخش... دفتری که یک‌تنه گاهی کار ۱۰۰ تا روان‌شناس را برایم انجام داده.

«خوب‌ها و خوب‌ترها» از نیمه گذشته است. پیش از نوشتن، ناخودآگاه صفحات قبل را تورق می‌کنم و غرق دورترها می‌شوم. مسافر شب و روزهایی که از حال و احوالشان، پاره‌ای ثبت شده روی کاغذ:

- همیشه خدا، ماتِ عروسک تشنجی روی داشبورد ماشین برادرخان بودم. آدمک لیمویی چاقی که مدام کش می‌آید و ناآرام است. همان که انگار قرص خواب لازم دارد تا از تقلا بیفتد.

حالا دیگر نیستم، ماتش نیستم. خودم شده‌ام یکی مثل او. یکی درست هم‌رفتار آن‌ها. آدمی که دست و دل و سر و قلبش بی‌وقفه می‌لرزد.

چند وقتی است با خودم می‌گویم نکند برادر این عروسک طفلی هم از جاده برنگشته است؟ (مرداد)

- در معیت نیسان سبزی فروش، بانوی ویلچری که آمده پی خرید صیفی‌جات و لشکر گنجشک‌ها پا می‌گذارم به سومین روز تابستان... به روزی که خوب‌تری از سر و رویش می‌بارد... ان شاءالله که امروز، ویروس سرخوشی همه شهر را به خودش مبتلا کند.

تیر/ گاهی باید چیزکی نوشت در حاشیه کتابی که درحال مطالعه‌اش هستی تا کیفورتر شوی، میزان تر... امروز، من توی صفحه ۵۳ «زمانی برای زن بودن» آلیس پیرسن نوشتم: «انسانی که برگزیده خدا باشد تا ابد منشأ خیر است». (اردیبهشت)

-پاییز مباااااارک... کلاس دومی شدن «گل ترمه» جان هم.

اما چه کنم با حالی که خوب‌تر نیست؟ با توفان سینه‌ام؟ با ندیدن‌های انباشته شده؟

اصلاً می‌دانی چیست و چرا افتاده‌ام سر دنده لج...؟ می‌دانی چرا نه چای گلاب می‌خواهم، نه فیلم تعریفی «متری شیش و نیم»، نه پرت شدن وسط بهشت کتاب...؟

چون به‌شدت دلم شما را می‌خواهد که در این فصل به‌خصوص، ظاهر شوید دم مدرسه نوه‌تان... مثل هر سال که پدری را با لبخند در حقم تمام می‌کردید. (شهریور)

داغ‌های دروغکی

باز هم سرنگ باز هم ایدز!

قدس زندگی: در فضای مجازی، این جور شایعات، قدیمی بشو نیستند! مثل بعضی از مدل‌های لباس هستند. امسال کهنه می‌شوند، چند سال بعد با شکل و شمایل جدید برمی‌گردند. تصویر را ببینید که خود گویای همه چیز است:

اولین دبستان ایرانی چگونه ساخته شد؟

مدرسه رشدیه

محمد تربت‌زاده | مکتبخانه‌ها، ترکه‌های چوبی و ملا(معلم)های کمی تا قسمتی اخمو لابد زیر بار مسئولیت چندصد ساله آموزش، کمر خم کرده بودند که امثال امیرکبیر و میرزاحسن تبریزی، به فکر افتادند با ساخت مدارس اروپایی، نظام آموزشی کشورمان را متحول کنند. البته سِیر گذر از مکتبخانه‌های سنتی به مدارس مدرن را نمی‌شود تمام و کمال انداخت به گردن کمرِ خم شدهِ مکتبخانه‌ها. بچه‌های عصرجدید هم لابد دم به تله مکتبخانه‌ها نمی‌دادند و حتی به زور ترکه چوبی و فلک هم نمی‌شد نشاندشان پای درس. حالا به این‌ها اضافه کنید تغییر و تحول‌های اجتماعی و فرهنگی را که خیلی‌ها را مجاب می‌کرد بچه‌هایشان را بفرستند به مدارسی که دانش‌آموزهایش لباس یکدست و مرتب می‌پوشیدند، روی نیمکت می‌نشستند و ظرف چند ماه، خواندن و نوشتن را یاد می‌گرفتند. این وسط اما لابد مکتبخانه‌ها که چند قرن، جور نبود نظام آموزشی یکپارچه و درست و درمان را کشیده بودند، حق داشتند در مقابل ساخت مدارسی که به قول خودشان زنگ شروعش صدای ناقوس کلیسا را می‌داد و عوام می‌گفتند قرار است بچه‌ها را نامسلمان بار بیاورد، مقاومت کنند.

ساخت اجنبی

کلنگ ساَخت نخستین مدرسه در کشورمان را کشیشی آمریکایی به نام «پرکینز» در سال ۱۲۱۷ شمسی در ارومیه به زمین زد. یک سال بعد هم کشیش دیگری به نام «اوژن بوره» دو مدرسه دیگر در کشورمان ساخت. یکی در تبریز و دیگری در جلفا اصفهان. به جز ارمنی‌ها و بخش کوچکی از طبقه ثروتمند و روشنفکر کشورمان اما هیچ‌کس حاضر نبود فرزندش را بفرستد به مدرسه‌ای که اجنبی‌ها آن را ساخته بودند! حتی سال ۱۲۳۰ که مدرسه دارالفنون توسط امیرکبیر بازگشایی شد، همچنان اقشار خاصی در این مدرسه‌ها تحصیل می‌کردند. البته ناگفته نماند که تمام این مدارس در سطح متوسطه و دانشگاهی بودند و تا پیش از ساخت نخستین مدرسه ابتدایی توسط میرزا حسن تبریزی، همه کودکان تحصیل را از مکتبخانه‌های سنتی آغاز می‌کردند.

شبانه فلنگ را بست

همه چیز از روزنامه «ثریا» و «اختر» شروع شد. «میرزا حسن تبریزی» یا همان میرزا حسن رشدیه، قصد داشت برای ادامه تحصیل، کشور را ترک کند اما یک روز صبح، هنگام ورق زدن روزنامه ثریا و اختر، چشمش به مقاله‌ای افتاد که سواد ایرانی‌ها را با اروپایی‌ها مقایسه می‌کرد. در بخشی از این مقاله آمده بود: «در اروپا در هر هزار نفر، یک نفر بی‌سواد است و در ایران در هر هزار نفر، یک نفر باسواد و این از بدی اصول تعلیم است». این مقاله آن‌قدر روی میرزا حسن تأثیر گذاشت که تصمیم گرفت به جای ادامه تحصیل در اروپا، عمرش را وقف اصلاح سیستم آموزشی کشورمان کند. به همین خاطر به «دارالمعلمین» بیروت که معروف‌ترین مرکز آموزش معلمان در دنیا بود، رفت. ماه‌ها در بیروت ماند و اصول نوین آموزش به کودکان را نعل به نعل از بر کرد تا وقتی به ایران و سرزمین مادری‌اش یعنی «تبریز» برمی‌گردد، نخستین مدرسه ابتدایی در کشورش را کلنگ بزند. میرزا حسن البته پیش از بازگشت به ایران، به «ایروان» رفت و اولین مدرسه‌اش را برای ایرانی‌های مقیم آنجا، احداث کرد. موفقیت‌های مدرسه‌اش در ایروان، وادارش کرد هرچه زودتر بار و بندیلش را ببندد و خودش را به تبریز برساند.

در تبریز تمام تحصیلکرده‌های شهر را دور خودش جمع کرد و پس از آموزش شیوه تدریس مدرن به آن‌ها، نخستین مدرسه‌اش را در محله ششکلان تأسیس کرد و نامش را «رشدیه» گذاشت. برخلاف دانش‌آموزان مکتبخانه‌ای که باید چیزی حدود ۱۰ سال برای آموزش کامل خواندن و نوشتن صبر می‌کردند، میرزا حسن در عرض ۶۲ ساعت به دانش‌آموزانش خواندن و نوشتن یاد می‌داد! به همین خاطر فقط چند ماه پس از ساخت نخستین مدرسه، استقبال بی‌نظیری از آن صورت گرفت و بازار کار مکتبخانه‌ها حسابی کساد شد. هرچند علمای بنامی مثل شیخ هادی نجم‌آبادی و سیدمحمد طباطبایی از گشایش این مدرسه حمایت کردند اما نفوذ مکتبخانه‌داران انگار به تلاش‌های میرزاحسن و حمایت روحانیون بنام، می‌چربید که مدرسه رشدیه، پس از برگزاری امتحانات پایان ترم، مورد حمله مخالفانش قرار گرفت و با خاک یکسان شد. میرزاحسن هم که جانش را در خطر می‌دید، همان شب فلنگ را بست و راهی مشهد شد.

به ضرب گلوله

میرزاحسن چندصباحی در مشهد ماند و پس از اینکه آب‌ها از آسیاب افتاد، دوباره به تبریز رفت و دومین مدرسه‌اش را باز هم با نام «رشدیه» راه انداخت. مخالفان اما این بار هم چند ماه پس از بازگشایی مدرسه، با دینامیت آن را منفجر کردند تا میرزا یک‌بار دیگر برای حفظ جانش به مشهد پناه ببرد. این ماجرا چهار بار دیگر هم تکرار شد و میرزاحسن هربار مدرسه جدیدی در تبریز می‌ساخت و پس از تخریب آن به دست مخالفان، راهی مشهد می‌شد. در این میان حتی چند دانش‌آموز که در مقابل تخریب مدرسه‌شان مقاومت کرده بودند، جانشان را از دست دادند. در همان روزها بود که خیلی‌ها، میرزاحسن را بابت تلاش‌های خستگی‌ناپذیرش در راه ساخت مدرسه ابتدایی، «میرزاحسن رشدیه» صدا می‌زدند. میرزاحسن روی هم رفته ۶ مدرسه در تبریز ساخت که تمام آن‌ها تخریب شدند. یک‌بار هم مدرسه‌ای در مشهد تأسیس کرد که در همان ماه‌های اول فعالیت، مورد حمله مخالفان قرار گرفت. در جریان این حمله، دست میرزاحسن از چند ناحیه شکست و به قول آن روزی‌ها چلاق شد! چندماه بعد هم در جریان ساخت مدرسه‌ای در «لیلی آباد» چند نفر با اسلحه به مدرسه حمله و با شلیک به پای میرزاحسن، او را از ساخت مدرسه پشیمان کردند. خودش درباره فلج شدن یک دست و یک پایش در راه ساخت مدرسه، سروده است: مرا دوست بی‌دست و پا خواسته است / پسندم همان را که او خواسته است.

پدر آموزش

در آن سال‌ها کار به جایی رسیده بود که هیچ‌کس در هیچ کجای ایران حاضر نبود به میرزاحسن رشدیه که در به در به دنبال تأسیس هشتمین مدرسه‌اش بود، ملک بفروشد. ترور ناصرالدین شاه و روی کار آمدن مظفرالدین شاه اما تمام معادلات را به‌هم ریخت. میرزا علیخان امین الدوله، صدر اعظم پادشاه ایران دورادور میرزا حسن را می‌شناخت، از او خواست به تهران بیاید و با حمایت شاهِ ایران، مدرسه بسازد. میرزا که در تلاش بود مدرسه جدیدی را به صورت مخفیانه در تبریز راه بیندازد، از خداخواسته مدیریت مدرسه را به برادرش سپرد و راهی تهران شد تا اولین دبستان پایتخت را در سال ۱۲۷۵ تأسیس کند. میرزاحسن بالاخره به آرزوی دیرینه‌اش رسیده بود و مدرسه‌ای در کشورش ساخته بود که شاگردانش، برای هر فصل لباس فرم جداگانه داشتند، روی نیمکت می‌نشستند، زنگ تفریح داشتند و ناهارشان را به سبک مدارس بزرگ دنیا، در سالن غذاخوری مدرسه می‌خوردند. مدرسه رشدیه تهران نخستین مدرسه کشور بود که طبق آخرین استانداردهای آموزشی دنیا اداره می‌شد و فرزندان تمام اقشار جامعه می‌توانستند به طور رایگان در آن تحصیل کنند؛ به همین خاطر میرزاحسن، بنیان‌گذار این مدرسه را پدر آموزش نوین در کشورمان می‌دانند. البته همین مدرسه هم بعدها پس از تبعید امین الدوله، با مشکلات زیادی روبه‌رو شد و علاوه بر صاحبان مکتبخانه‌ها، مخالفان درباریِ امین‌الدوله هم برای تعطیل کردن آن کمر همت بستند، اما مدرسه با تلاش‌های میرزا حسن و کمک‌های مالی امین‌الدوله، هرطور که بود، سرپا ماند. میرزاحسن بعدها مدارس دیگری را هم در گوشه و کنار کشورمان تأسیس کرد که خیلی‌هایشان به علت مخالفت اهالی بومی تخریب شدند و اطلاعات زیادی از آن‌ها در دسترس نیست. رشدیه حتی در آن‌سال‌ها مراکزی را هم برای سوادآموزی به بزرگسالان تأسیس کرد که به «اکابر» معروف شده بود. میرزاحسن هرچند در سال‌های پایانی عمرش، مدیریت اندک مدارسی که از چوب و چماق مخالفان جان سالم به در برده بودند را به نزدیکانش سپرد اما تا آخرین روز زندگی‌اش، برای اصلاح سیستم آموزشی کشور تلاش کرد. گواهِ این موضوع هم وصیت‌نامه این مدرسه‌ساز بزرگ کشورمان است که در بخشی از آن نوشته: «مرا در محلی به خاک بسپارید که هر روز شاگردان مدارس از روی گورم بگذرند و از این بابت روحم شاد شود».

مجازآباد

مجری غارتگر

مدتی است خبر دستگیری برخی از مدیران و مسئولان شرکت خودروسازی سایپا، سوژه رسانه‌های داخلی و خارجی شده است. در همین راستا چندی پیش خبری در فضای مجازی منتشر شد که پای مجری شبکه ماهواره‌ای من و تو را هم به پرونده فساد در سایپا کشانده بود! درحالی که هیچ‌جا صحبتی از هویت این مجری نشده بود، اما روز گذشته محمد فراهانی، سردبیر خبرگزاری میزان با انتشار تصویری از این مجری جنجالی در توییتر نوشت:«نامش آیه ادریس (البته اسم اصلی او آیه دریس است) است، فردی که در پرونده شرکت خودروسازی سایپا ۱۸ میلیارد تومان از اموال مردم ایران را به جیب زده و حالا در شبکه من‌وتو با پول مردم ایران تهیه‌کننده و مجری است».

امر به معروف حاکمان

هفته گذشته و پس از انتشار خبر واگذاری کارخانه هپکو اراک، کارگران این کارخانه در اعتراض به وضعیت این کارخانه دست به تجمع اعتراضی زدند. پس از این، با دستور رئیس جمهور، پروژه واگذاری هپکو متوقف شد. جلیل محبی، دبیر ستاد امر به معروف با انتشار پستی دراین زمینه، در توییتر نوشت :«اینکه رئیس جمهور دستور لغو واگذاری دوم هپکو را صادر کردند یعنی امر به معروف و نهی از منکر حاکمان جواب می‌دهد. حالا باید به جایی برسیم که بدون نشستن روی ریل قطار و ضرب و جرح کارگران این اتفاق بیفتد».

رفتند که بمانند

پس از گذشت یک سال از حمله تروریستی اهواز، جمعی از فعالان شبکه اجتماعی توییتر هشتگ‌های #طاها_ اقدمی که کوچک‌ترین قربانی این حادثه تروریستی بود و #قربانی_ترور را داغ کرده و یاد شهدای این حادثه تلخ را گرامی داشتند. یکی از کاربران نوشته است:«سلام بر آن‌هایی که از نفس افتادند تا ما از نفس نیفتیم، قامت راست کردند تا ما قامت خم نکنیم، به خاک افتادند تا به خاک نیفتیم، سلام بر آن‌هایی که رفتند تا بمانند و نماندند تا بمیرند. سلام بر شهدا... سلام بر محمد طاها».

یک کار مثبت

مهناز افشار که در چند ماه اخیر بارها با اظهارنظرهای جنجالی‌اش در شبکه‌های اجتماعی حاشیه‌ساز شده بود، سرانجام به دلیل انتقادهای کاربران فضای مجازی، اعلام کرد این فضا را تا اطلاع ثانوی ترک خواهد کرد. کاربران هم به همین بهانه هشتگ مربوط به نام او را در توییتر داغ کردند. در ادامه چند نمونه از پیام‌های منتشر شده توسط کاربران را می‌خوانید:«تنها اقدام درست مهناز افشار در فضای مجازی همین قهر کردنش بود...بالاخره مهناز افشار هم یک کار مثبت در مجازی انجام داد».

رقابت غول های اروپا برای جذب ستاره جوان سالزبورگ

ورزش: پس از درخشش ارینگ هالند، بازیکن نروژی و جوان تیم سالزبورگ در هفته اول لیگ قهرمانان اروپا حالا بهترین تیم های اروپا مشتری او شده اند. هالند ۱۹ ساله با ثبت سه گل در برابر تیمش مقابل خنک، علاوه بر ثبت نخستین هت تریک گل، فصل جدید لیگ قهرمانان اروپا به عنوان بازیکن هفته انتخاب شد. همین درخشش باعث شد، بهترین تیم های اروپایی برای خرید او مذاکرات رسانه ای را راه بیندازند. بارسلونا نخستین تیمی است که برای جذب این بازیکن جوان ابراز تمایل کرده است. میرور هم در گزارشی از منچستریونایتد، منچستر یونایتد و یوونتوس به عنوان دیگر مشتریان ستاره جوان سالزبورگ نام برده است.

رونالدو: خستگی یوونتوس مقابل ورونا عادی بود

ورزش: ستاره یوونتوس می گوید: تحلیل رفتن انرژی بازیکنان این تیم غیرطبیعی نیست. کریستیانو رونالدو می گوید: امهم ترین نکته این است که ما برای این هفته را ببرد، با توجه به برای هفته قبل مال در لیگ قهرمان ملت بودیم این خستگی با در نظر گرفتن سفر به خانه حریف و بازی سنگینی که در مادرید داشتیم عادی است اما با این وجود ما به چیزی که می خواستیم رسیدیم» ستاره پرتغالی یوونتوس سپس به سؤالی درباره رسّتی که در دقایق پایانی بازی تیمش مقابل اتلتیکومادرید رو به هواداران تیم میزبان گرفت: «بعضی از مردم دوست دارند از چیف بگویند. همین بیش از اندازه آدم احمق وجود دارد.»

امری: پپه باید سریع تر با آرسنال سازگار شود

ورزش: سرمربی آرسنال توقع دارد نیکلاس پپه، ستاره جدید این تیم هر چه سریع تر خودش را با آرسنال تطبیق دهد. اونای امری می گوید: « نیکلاس پپه باید بیشتر خودش را سازگار کند. او خوب بازی می کند ولی ما می دانیم که او باید عملکرد بهتری داشته باشد و برای همین از او می خواهم هر چه سریع تر این روند ها افتادن در تیم را کامل کرده و خود را با شرایط جدید سازگار کند. برای مثال بازی با استون ویلا بهترین فرصت است. ما در وهله اول تلاش می کنیم تا او بتواند با شرایط جدید سازگار شود.

سولسشر: پوگبا هیچ جا نخواهد رفت

ورزش: سرمربی منچستریونایتد درباره شایعات مربوط به انتقال پل پوگبا به رئال مادرید هیچ نگرانی ندارد. اولا گنار سولسشر می گوید: « من از بابت پوگبا نگران نیستم و هرگز هم در این باره نگران نخواهم شد چرا که پوگبا در این باشگاه ماندنی است. من به رئیس رئال مادرید گوش نخواهم داد. اگر ماجرای مذاکرات و تلاش های مادرید از ماه ژانویه شروع شود باز هم نگران نخواهم شد. اگر دوباره مجبور شویم با شایعات روبه رو شویم همان طور که در طول تابستان از پشتش بر آمدیم موفق خواهیم شد.»

ضد حمله

علیپور: عبدی خواب دیده بود گل می زند

ورزش: علی علیپور در خط حمله پرسپولیس موفقیت زیادی به دست نیاورد هرچند تیمش در نهایت توانست با گل مهدی عبدی به برتری برسد. مهاجم شماره ۷۰ پرسپولیس بعد از برد برابر استقلال در میکس زون ورزشگاه آزادی گفت: «در بین شرایط خاص خودش را داشت و خدا اشکر با پیروزی از زمین بیرون آمدیم.»

او افزود: «این درمی متل بازی های قبل هم تیم استقلال هم تیم ما تنش زیادی داشتیم و زیاد روی زمین می افتادیم و به همین خاطر هیجان بازی در نیمه اول از بین رفته بود. خدا اشکر در نیمه دوم شرایط بهتر شد و توانستیم گل بزنیم.»

مهاجم پرسپولیس درباره گلزنی مهدی عبدی بازیکن جوان این تیم گفت: «مهدی عبدی بازیکن خوب و جوانی است. از چند روز پیش می گفت خواب دیدم که گل می زنم و وقتی آمدت توی زمین گل زد. خدارشکر به بر دسیدیم و آنچه کادر فنی می خواست اجرا کردیم.»

مدیرعامل پرسپولیس دربی را تحریم کرد

ورزش: پس از اینکه محمدحسن انصاری قرار از عدم تعلق بلیت به باشگاه پرسپولیس خبر داد، خود او تصمیم گرفت که وارد استادیوم نشود و به نوعی تماشای دربی را تحریم کند. او در این خصوص گفت: این حرکت به نشانه احترام به عوامل مرتبط با باشگاه چون هیئت مدیره، اعضای تیم، کارکنان، رسانه ها، عوامل اقتصادی و همکار و به ویژه پیشکسوتان پرسپولیس است که در اختیار داشتن بلیت این مسابقه، حداقل خواسته ای بود که باید تأمین می شد، اما کارشکنی های صورت گرفته مانع از آن شد.

میرزابیگی: هم پنالتی اشتباه بود، هم تکرار نشدنش

ورزش: کارشناس داوری فوتبال کشور معتقد است، بنیادی فر عملکرد خوبی در دربی ۹۱ نداشته است. ابراهیم میرزابیگی پیشکسوت داوری در رابطه با قضاوت موعود بنیادی فر در دربی ۹۱ گفت: «در کل مسابقه بیشتر تحت تاثیر پنالتی ای بود که بنیادی فر گرفت. به نظرم اشتباهات ریزی داشت که تحت تاثیر اشتباه بزرگ تر این داور قرار گرفت و فکر می کنم اگر آن پنالتی را به اشتباه اعلام نمی کرد، می توانستیم بگوییم که قضاوت خوبی داشته است.» او در مورد پنالتی استقلال توضیح داد: (پنالتی که نمی گرفت هیچ، باید حتما به بازیکن استقلال هم اخطار می داد، چون می خواست با تصارض پنالتی بگیرد. فکر می کنم این بزرگترین اشتباه بنیادی فر در این بازی بود».

بنیادی در رابطه با اینکه باید پنالتی تکرار می شد نیز بیان کرد: «اگر پنالتی گرفته شده و داور مصر هم بود، باید پنالتی تکرار می شد و این اشتباه دوم داور بود.»

بیرانوند: می دانستم داور برای استقلال پنالتی می گیرد

ورزش: دروازه بان پرسپولیس می گوید از دو روز قبل از بازی می دانسته داور در دربی به سود استقلال بازی می گیرد! علیرضا بیرانوند می گوید: «پنالتی زدن در دربی برای هر بازیکنی سخت است، چرا که تمرکز بالایی می خواهد. من می دانستم که داور در این مسابقه برای استقلال پنالتی می گیرد و حتی از یکی دو روز قبل پنالتی زدن در میکس از بازیکنان استقلال را برای خود تصویرسازی کردم که در نهایت قرعه به نام علی کریمی افتاد. خدا را شکر می کنم که به من کمک کرد تا این پنالتی را مهار کنم.»

کنعانی زادگان: خوشحالم در نخستین حضورم در دربی به درد نشده بودم

ورزش: محمدحسین کنعانی زادگان پس از برتری یک بر صفر پرسپولیس در دربی گفت: «خدا را شکر می کنم که در این بازی پیروز شدیم و خیلی خوشحالم در نخستین حضورم در دربی به درد نشده بودم. من در دربی معروفی که اینون زاید سه گل زد، حضور داشتم، اما روی نیمکت بودم به زمین نرفتم و امروز نخستین حضورم در دربی بود. دست تک تک هواداران، هم آن هایی که در استادیوم بودند و هم آن هایی که در خانه حضور داشتند را می بوسم.»

وی درباره حاشیه های نیمه اول که منجر به پرتاب اشیا از سوی هواداران استقلال و شکستگی سرش شد، گفت: «نمی توانم با سوی دوم و کاری نکردم. دوست ندارم درباره هواداران استقلال حرف بزنم. مهم نیست آن ها چه می گویند و مهم، تیم خودم است.»

بررسی دلایل ناکامی آبی ها در فصل جدید

«فتحی» کاپیتانِ مقصران اصلی

سینا حسینی: ناکامی استقلال در دربی ۹۰ را می توان حاصل یک تفکر غلط در بالاترین سطح مدیریت این باشگاه دانست. بدون تردید هیچ کسی به اندازه امیر حسین فتحی در این بین مقصر نیست. مدیرعامل استقلال که از میله های فصل قبل با فکر برکناری و بنفرد شعر افتاد و با اتهام های مختلف با کمک علی خطیر تلاش کرد پروسه برکناری پیرمرد آلمانی را قهرنیز، حالا باید به عنوان متهم اصلی این ناکامی محاکمه شود.

دلیل استخدام استرا

البته فتحی به واسطه مدیریت کم خطرش برای مسعود سلطانی فر موفقیت خود را در معرض خطر نمی داند و با لبخند همه چیز را زیر سبیلی ردمی کند اما باید امروز از وی سوال کرد که هدف از برکناری شفر و حضور استراماچونی در کادر فنی استقلال چه بود؟ مگر قرار نبود روند تغییر در ساختار فنی استقلال به موفقیت این تیم در فصل جدید ختم شود پس استقلال به چه دردی گرفتار شده که نتوانسته در چهار بازی ابتدایی خود در لیگ برتر از پس حریفانش بر بیاید.

تیشه به ریشه

مدیرعامل استقلال پیش از دربی نود در گفت و گو با جواد خیابانی پیش رسانه این ناکامی را مهیا کرد و مدعی شد این تیم دچار دگردیسی شده و اسکلت تیم تغییر کرده و باید زمان کافی را به کادر فنی و بازیکنان داد اما به این نکته اشاره نکرد که سهم او در ایجاد چنین فضایی به چه مقدار بوده است؟ مگر نه اینکه تیم های حرفه ای جهان اولویت اصلی خود را بر حفظ ستاره های فصل گذشته قرار می دهند پس چرا در جریان حفظ بازیکنان کلیدی تیم در فصل گذشته نظیر پاتوسی این اتفاق رخ نداد؟

مطمئنا فتحی و یارانش در باشگاه استقلال مدعی قدیمی دالی پیرمرد آلمانی و فرصت طلبی و عامل جدایی جابی نیستند

تعویض طلایی

در نیمه مربیان دو تیم با چهره های هجومی تر وارد زمین شدند و استراماچونی و کالدرون برای تغییر جریان بازی تعویض های خود را انجام دادند. کالدرون با ورود مهدی عبدی به بازی متفاق به کالدرون بود در دقیقه ۸۰ بازی کالدرون مهدی عبدی را به میدان فرستاد که این بازیکن کمتر از یک دقیقه از حضورش در زمین فرشلی حوطه جریمه صاحب موقعیت شوت زنی شد که ضربه او بعد از برخورد به تیرک دروازه به پشت حسینی اصابت کرد و وارد دروازه استقلال شد تا بازی یک بر صفر شود.

بازی احساسی ایی ها با ۱۰ نفر

پس از گل پرسپولیس بازیکنان استقلال بازی بدون هدف را در دستور کار خود قرار دادند که حاصل این اتفاق درگیری کنار زمین میان بازیکنان خط میانی پرسپولیس و مدافعان استقلال بود. پرسپولیس ها که به خوبی ازکرش این پیروزی را درک کرده بودند با رسال توپ به کناره های زمین بازی را مدیریت کردند تا این بازی را با همین نتیجه به پایان برسانند. در دقایق پایانی بازی نیز علی کریمی با کف پا به بدن عبدی زد و بنیادی فر با نشان دادن کارت زرد دوم به علی کریمی، این بازیکن را اخراج کرد تا استقلال ۱۰ نفره شود.

شعار هواداران علیه «آقای اخراج»

تعدادی از هواداران استقلال بعد از باخت در دربی خواستار اخراج استراماچونی بوده و علیه او شعار دادند! اما خواستار برکناری این مربی ایتالیایی شدند و اعتقاد داشتند هر جایوده اقتدار خواهد شد است. بر خی از هواداران هم شعارهایی را علیه فتحی، مدیرعامل استقلال سر دادند. آن ها با سر دادن شعار «فتحی حیا کن، استقلال را رها کن» خواستار جدایی وی شدند.

سکوی سومی جهان را از تیم ملی گرفتند

ایران اسیر مافیای کشتی دنیا

ورزش: تیم ملی کشتی آزاد ایران با یک طلا، یک نقره و دو برنز کارش را با عنوان چهارمی در رقابت های قهرمانی جهان تمام کرد. روسیه، قزاقستان و آمریکا به ترتیب اول تا سوم شدند. در آخرین روز این رقابت ها حسن یزدانی که با کولاک خود در مسابقات جهانی تنها با هشت دقیقه مبارزه به دیدار پایانی رسیده بود بدون انجام مبارزه در فینال توانست تنها طلای تیم ملی را بدست آورد. مدیباک یونیا کشتی گیر ۸۶ کیلوگرمی هند به دلیل مصدومیت قادر به انجام مسابقه نبود و از شرکت در مسابقه فینال انصراف داد تا یزدانی برسکوی نخست دنیا بایستد. یونیا در این باره می گوید: «آرزو داشتم در فینال به میدان بروم ولی مصدومیت بخشی از زندگی حرفه ای یک ورزشکار است.» دیباک می گوید: «کشتی گرفتن مقابل حسن یزدانی شانس بزرگی بود، اما نتوانستم در این مسابقه شرکت کنم. چون با این شرایط توان جنگیدن با حریفم را نداشتم.» دیروز پیش از یزدانی البته بهنام احسان پور کاروان ایران را صاحب مدال برنز چرکز کرده بود این کشتی گیر مازندرانی در رده بندی وزن ۶۱ کیلو توانست با یک نمایش مقتدرانه و ثبت نتیجه ۸ بر صفر عباس رحمان آف از ازبکستان را شکست دهد و صاحب مدال برنز جهان شود.

دیگر مدال آور ایران در این تورنمنت علیرضا کریمی با شکست مقابل جی دن کاکس آمریکایی به عنوان دوم و مدال نقره دست یافت. همچنین یونس امامی نیز از مسابقات کشتی قهرمانی جهان مدال برنز گرفت.

کسب دو سهمیه از ۶ سهمیه

بر اساس قانون اتحادیه جهانی کشتی به نفرات اول، دوم، سوم مشترک و پنجم مشترک در این رقابت ها سهمیه المپیک اختصاص داده می شد که با این اوصاف تنها رضا اطری در ۵۷ کیلوگرم با کسب عنوان پنجمی در جهان یزدانی با صعود به دیدار نهایی وزن ۸۶ کیلوگرم موفق به کسب دو سهمیه از ۶ سهمیه برای کشتی آزاد ایران در المپیک ۲۰۲۰ توکیو شدند اما امیر محمد یزدانی در ۶۵ر رضا افضلی در ۷۴، علی شعبانی در ۹۷ و یدالله محبی در سنگین وزن با حذف از رقابت های جهانی قزاقستان، سهمیه المپیک را از دست دادند.

کشتی آزاد ایران برای کسب چهار سهمیه باقی مانده باید در رقابت های برگزینشی قاره ای و جهانی که اوایل سال آینده برگزار می شود، شرکت کند. از میان ۱۰ وزن رقابت های کشتی آزاد، اوزان ۵۷، ۶۵، ۷۴، ۷۶، ۹۷ و ۱۲۵ کیلوگرم جزو اوزان المپیکی محسوب می شوند و کشتی گیران در این ۶ وزن در رقابت های المپیک به روی تشک می روند.

حق خوری آشکار

تیم ملی کشتی آزاد کشورمان در حالی با کسب یک مدال طلا، یک نقره و دو برنز به کار خود در مسابقات کشتی آزاد قهرمانی جهان در قزاقستان پایان داد که با توجه به ۹۱ امتیاز کسب شده عملاً باید روی سکوی سومی مسابقات قرار می گرفت اما مسئولان برگزار کننده رقابت ها رتبه ایران را چهارم اعلام کردند که با اعتراض مسئولان فدراسیون کشتی کشورمان همراه بود.

حمید سوریان، نایب رئیس فدراسیون کشتی در این خصوص گفت: علت این موضوع را نمی دانم اما پیگیر هستیم هر چند بعید به نظر می رسد تغییری صورت گیرد. غلامرضا محمدی سرمربی تیم ملی کشتی آزاد نیز در این خصوص عنوان کرد: واقعا جالب است به کشتی گیری که حذف شده چهار امتیاز دادند تا امریکا روی سکو برود. چطور کشتی گیری که دریک شانزدهم نهایی حذف شده چهار امتیاز گرفته؟

حسین کاوه، مدیر تیم های ملی کشتی آزاد نیز با بیان اینکه حتی مسئولان برگزاری مسابقات به ما خبر دادند که اماده حضور در مراسم سکو باشیم اما به یک باره نتایج تغییر کرد.

منهای فوتبال

قهرمانی دونده ایرانی در لیگ عراق

ورزش: دونده کشورمان که به لیگ عراق پیوسته است در مرحله نخست مسابقات حذف دو عنوان قهرمانی شد.

علی حیدرپور، ملی پوش دو و میدانی کشورمان که با تیم الشرطه عراق قرارداد بسته است در مرحله نخست رقابت ها در دو ۲۰۰ و ۴۰۰ متر توانست دو مدال طلا را برای این تیم کسب کند.

لیگ عراق در سه مرحله برگزار می شود و مرحله دوم مسابقات دو ماه دیگر برگزار خواهد شد.

تیم بسکتبال سه نفره دختران در راه جام جهانی

ورزش: فهرست نهایی تیم ملی بسکتبال سه نفره دختران زیر ۲۳ سال برای حضور در جام جهانی چین اعلام شد. شیدا شجاعی، کیمیا یزدان طهرانی، ناهید اسدی و نگین رسولی پور چهار بازیکن اعزامی به این رقابت ها خواهند بود. تیم ایران در این رقابت ها با قرار گرفتن در گروه C با تیم های مغولستان، رومانی، آلمان و اوگاندا همگروه است.

حذف امیر مهدی زاده از کاراته وان شیلی

ورزش: در دومین روز لیگ سری آ استانبول در شیلی، امیر مهدی زاده در وزن ۶۷- کیلوگرم مردان به میدان رفت و در نهایت با شکست مقابل حریف قزاق حذف شد. مهدی زاده در چهارمین بازی خود ۴ بر ۲ نتیجه را به امیر علی دیدار از قزاقستان دارنده عنوان نایب قهرمانی آسیا ۲۰۱۹ و یک نقره و دو برنز لیگ های جهانی ۲۰۱۹ واگذار کرد.

با شکست حریف قزاقستانی مقابل نماینده برزیل، مهدی زاده شانس حضور در ادامه رقابت ها را از دست داد.

تیم بسکتبال نفت آبادان راهی تایلند شد

ورزش: تیم پالایش نفت آبادان که سال گذشته با قهرمانی در لیگ برتر کشور توانست جواز حضور در رقابت های جام باشگاه های آسیا را بدست آورد، بامداد امروز تهران را به مقصد بانکوک تایلند ترک کرد.

این تیم که برای نخستین بار است به عنوان نماینده ایران در جام باشگاه های آسیا شرکت می کند، برای حضور موفق در این مسابقات چند بسکتبالیست مطرح کشور از جمله حمادی، نیکخواه بهرامی، داوودی، حسن زاده و کاظمی را انتخاب کرده است.

مسابقات باشگاه های آسیا از دوم مهرماه در بانکوک تایلند آغاز خواهد شد که نفت ایران در گروه نخست با تیم های تک تایلند، المحرق بحرین و فوبیون تایلن همگروه است.

در دوره قبلی مسابقات جام باشگاه های آسیا، پتروشیمی بندرامام عنوان قهرمانی را بدست آورده بود.

ظاهری: برای بوکس ایران متأسفم

ورزش: کابینتان سابق تیم ملی بوکس ایران با انتقاد از برنگ نمایی ها در مورد نتیجه تیم ملی بوکس در رقابت های قهرمانی جهان ۲۰۱۹ روسیه، گفت: اگر پیروزی مقابل بوکسورهای فلسطین، عراق و چین تایپه پیشرفت است، برای بوکس ایران متأسفم. وی افزود: متأسفانه این روزها خو خوبی در بوکس حکمفرما نیست و دوستان به جای بررسی و بحث در مورد مسائل فنی، به مسائلی دیگر می پردازند و این موضوع برای هر دو جبهه وجود دارد، چه کسانی که الان روی کار هستند و چه کسانی که قبلاً روی کار بوده اند.

تست دوپینگ دو تیراندار مثبت شد

ورزش: در جریان مسابقاتی که در رشته تیراندازی از ورزشکاران در داخل کشور گرفته شده، تست دوپینگ دو تیرانداز مثبت شده است. یکی از تیراندازان دفاعیات خود را در این خصوص به فدراسیون داده و فدراسیون پزشکی نیز در حال بررسی موضوع است.

یکی از ورزشکاران نیز معافیت صرف درمانی (TUE) از دارو داشته است.

برخی شنیدها حاکی از این است که نمونه های مثبت شده برای چهار ورزشکار است. این نمونه ها در مسابقات ارائ نقدک و نتایجه گرفته و نتایج اعلام شده مربوط به تاریخ ۱۶ شهریور است. نکته جالب اینجاست که فدراسیون تیراندازی ۲۰ شهریور در خصوص دوپینگ اطلاع رسانی کرده است.

پرسپولیس با شکست استقلال دوم شد

فتح دربی با تک تیرانداز مرموز

عکس: محمدحسن گنجائی

ورزش: برنده دربی نود پرسپولیس بود. مردان کالدرون در یک بازی پرپرخورد و پر حادثه موفق شدند با نتیجه یک بر صفر رقیب سنتی خود را شکست داده و به رده دوم جدول صعود کنند. نکته جالب این بازی گلزنی مهدی عبدی بازیکن ناشناخته سرخ ها در بدو ورود به زمین بود.

نبرد براشتباه

با آغاز جدال شاگردان کالدرون و استراماچونی هواداران تصور می کردند یک بازی متفاوت را از سوی دو تیم شاهد خواهند بود اما عصر مفید این بازی جذاب تنها یازده دقیقه بود. استرس بازیکنان تازه وارد دو تیم نیز منجر به افزایش پاس های اشتباه شده بود تا رفته رفته از کیفیت بازی کاسته شود. در این میان قرباه های مربیان از رانتینی و ایتالیایی دو تیم به دلیل عدم شناخت کافی از فضای دربی پایتخت هم سودی نداشت.

پنالتی بر ماجرا

تنها اتفاق هیجان انگیز نیمه اول پنالتی استقلال بود که با حرف و حدیث فراوانی همراه شد. بازی در میانه میدان جریان داشت که در دقیقه ۲۶، دارویش شجاعیان با توپ وارد محوطه جریمه پرسپولیس شد که شجاع خلیل را به دیشه پای این بازیکن ضربه زد و بنیادی فر نقطه پنالتی را به سود استقلال نشان داد ضربه علی کریمی را البته پرالوند به بیرون زد در مورد این پنالتی گفته می شود داور باید پنالتی می گرفته و البته پس از زدن ضربه باید دستوری به تکرار می داده که اختلاف نظرهای زیادی در این مورد وجود دارد.

سرنشکسته کنعانی زادگان

بعد از فرصت سوزی های علی کریمی، بازی درون زمین آرام تر شد اما روی سکوها به التهاب کشیده شد. در دقیقه ۳۹، مرتضی تبریزی با کنعانی زادگان درگیر شد و او را طل داد تا این مدافع زمین بخورد. در همین حین یکی از هواداران استقلال جسم سختی را به سمت کنعانی زادگان پرتاب کرد و به سر این بازیکن خورد تا از این ناحیه دچار خونریزی شود یک پنالتی سوخت و چند دقیقه تصفه و نیمه و به یک سرشکسته متعلق نیمه تخست دور ۹۰ بود.

تعویض طلایی

در نیمه مربیان دو تیم با چهره های هجومی تر وارد زمین شدند و استراماچونی و کالدرون برای تغییر جریان بازی تعویض های خود را انجام دادند. کالدرون با ورود مهدی عبدی به بازی متفاق به کالدرون بود در دقیقه ۸۰ بازی کالدرون مهدی عبدی را به میدان فرستاد که این بازیکن کمتر از یک دقیقه از حضورش در زمین فرشلی حوطه جریمه صاحب موقعیت شوت زنی شد که ضربه او بعد از برخورد به تیرک دروازه به پشت حسینی اصابت کرد و وارد دروازه استقلال شد تا بازی یک بر صفر شود.

بازی احساسی ایی ها با ۱۰ نفر

پس از گل پرسپولیس بازیکنان استقلال بازی بدون هدف را در دستور کار خود قرار دادند که حاصل این اتفاق درگیری کنار زمین میان بازیکنان خط میانی پرسپولیس و مدافعان استقلال بود. پرسپولیس ها که به خوبی ازکرش این پیروزی را درک کرده بودند با رسال توپ به کناره های زمین بازی را مدیریت کردند تا این بازی را با همین نتیجه به پایان برسانند. در دقایق پایانی بازی نیز علی کریمی با کف پا به بدن عبدی زد و بنیادی فر با نشان دادن کارت زرد دوم به علی کریمی، این بازیکن را اخراج کرد تا استقلال ۱۰ نفره شود.

شعار هواداران علیه «آقای اخراج»

تعدادی از هواداران استقلال بعد از باخت در دربی خواستار اخراج استراماچونی بوده و علیه او شعار دادند! اما خواستار برکناری این مربی ایتالیایی شدند و اعتقاد داشتند هر جایوده اقتدار خواهد شد است. بر خی از هواداران هم شعارهایی را علیه فتحی، مدیرعامل استقلال سر دادند. آن ها با سر دادن شعار «فتحی حیا کن، استقلال را رها کن» خواستار جدایی وی شدند.

کالدرون: بیراتوند یک گل را از استقلال گرفت

گابریل کالدرون، سرمربی پرسپولیس در نشست خبری پس از این دیدار اظهار کرد: به تیم م تبریک می گویم. خیلی مردانه جنگیدند و بازی خوبی به نمایش گذاشتند. در این بازی ها معمولا هر تیمی که گل اول را می زند جلو می افتد. ما بهترین دروازه بان آسیا را داریم و یک گل را از استقلال گرفت.

سرمربی پرسپولیس درباره کیفیت پایین این تیم با وجود برد در دربی بیان کرد: من گفتم تو که پس از پنالتی بهتر بازی کردیم. ما در حل خوبی کردن سبک بازی می شدیم. در این دوره بایدبرویم در رقابت به مدیران فرستادن عدی گفت: مربی هر بازی را متفاوت می بیند. مربی باید بتواند بازی خوانی داشته باشد و فرصت اشتباه نداریم. من به تیمم تبریک می گویم. همه بازیکنان خوب بازی کردند و کسانی که به عنوان بازیکن تعویضی به میدان رفتند خوب بودند. من از هر سه تعویضم راضی هستم. این سه تعویض روند تیم را بهتر کرد و گلمان را هم یک زاین بازیکنان زد.

سرمربی پرسپولیس در پاسخ به این پرسش که آیا ممکن است عبدی در بازی های آینده فیکس باشد گفت: من روی ۱۱ بازیکن اصلی در بازی می کنیم. سطح ملاکیوت خیلی بالا است.

امیر محمد سلطان پور: هنوز مدت زیادی از اغاز فصل جدید لایگا نگذشته، اما انی و اتری پوشان شنبه تب دومین شکست خارج از خانه فصل خود را در بازی اینبوه کیو - مقابل خاتافا متحمل شدند تا مشخص شود مشکلاتی اساسی در بارسلونا وجود دارد. در این بازی لیونل مسی باز دیگر به عنوان بازیکن ذخیره به میدان رفت اما نتوانست تأثیر آنچنانی داشته باشد. این بارسا مشکلاتی دارد که کاپیتانی مثل این مسی نیز به نظر نمی رسد بتواند آن ها را حل کند. نگران کننده تر از شکست ۲ بر - مقابل خاتافا، شکل و شیوه رویکرد و بازی بارسلونا در این دیدار بود.

اوضاع، بحرانی تر از همیشه برای بارسلونا

مشکلی که مسی هم نمی تواند حلش کند

امیر محمد سلطان پور: هنوز مدت زیادی از اغاز فصل جدید لایگا نگذشته، اما انی و اتری پوشان شنبه تب دومین شکست خارج از خانه فصل خود را در بازی اینبوه کیو - مقابل خاتافا متحمل شدند تا مشخص شود مشکلاتی اساسی در بارسلونا وجود دارد. در این بازی لیونل مسی باز دیگر به عنوان بازیکن ذخیره به میدان رفت اما نتوانست تأثیر آنچنانی داشته باشد. این بارسا مشکلاتی دارد که کاپیتانی مثل این مسی نیز به نظر نمی رسد بتواند آن ها را حل کند. نگران کننده تر از شکست ۲ بر - مقابل خاتافا، شکل و شیوه رویکرد و بازی بارسلونا در این دیدار بود.

گارناتا از سال ۲۰۱۴ توانسته بود بارسا را شکست دهد اما لوکاس آلکازار سرمربی این تیم در آن سال پیش از بازی نیز امیدوار بود که تیم سابقش دوباره پیروزی را بدست خواهد آورد؛ «واقعاً نمی خواستم در شرایط کنونی والوید باشم.» اما در میانه هفته گذشته یک سرمربی باید بر دو تیم بود رفتند و اکنون باید در خانه گارناتا به میدان بروند که بسیار روی فرم است. بر خلاف این، تیم فرم خارج از خانه بارسلونا افتضاح بود به گونه ای که والورده نیز در مصاحبه پیش از بازی به آن اعتراف کرد: «زمانی که ما در خارج از خانه بازی می کنیم، سطح ملاکیوت خیلی پایین می آید دیگر این جنابرای هواداران استقلال رنگ باخته چون همه به این واقعیت پی برده اند که نبود مدیریت کارآمد زمینه ساز این اتفاق بود دوسی.

ترفندهای نخ نماشده

سناریو دشمن سازی فتحی و هم قطارانش در باشگاه استقلال این تیم را به جایگاهی بهتر از پانزدهم جدول نرسانده است. بازی با کلمات حقوقی و سناریو سازی در موضوعات حقوقی شاید در تخصص فتحی و کابینه اش باشد اما تاریخ مصرف اینگونه رفتارها از بین رفته است. نمونه بارز این اتفاق در بازی رسانه ای فتحی و اهالی باشگاه استقلال در ماجرای محرومیت فرشید اسماعیلی بود. فتحی که روزگاری امور حقوقی فوتبال ایران در بالاترین سطح قدراسیون را انجام می داده به خوبی می دانست اعتراض آن ها در ماجرای محرومیت اسماعیلی هیچ ثمری ندارد اما برای راضی نگه داشتن هواداران و آرام نگه داشتن فضا در برابر منتقدانش این بازی را سه راه انداخت تا اینگونه وانمود کند که فدراسیون قصد دارد کارشکنی کند. البته بازی روانی آقای مدیرعامل تا حدودی هم به سرانجام رسید اما امروز فتحی و دوستانش باید پاسخگوی خیل عظیم هواداران این باشگاه باشند.

در انتظار تصمیم وزیر

حالا احتمالاً بازی بعدی فتحی انداختن توپ در زمین سرمربی است و در این میان مربیان خانه نشین و بعضاً پیشکسوتان فعلی استقلال به کمک وی خواهند آمد تا شاید آقای مدیرعامل چند صباح بیشتری روی کرسی مدیرعاملی باقی بماند از این رو باید به سراغ وزیر ورزش رفت تا ببینیم همان گونه که او تصمیم به کنار گذاشتن ایرج عرب گرفت آیا در باره استقلال هم همین تصمیم را خواهد گرفت یا اینکه همچنان استقلالی ها باید فتحی را تحمل کنند.

نگاهی به چند تعویض طلایی در دربی

از «زاید» تا «عبدی»

ورزش: تک گل برتری پرسپولیسی ها دقیقه ۸۱ روی تعویض طلایی کالدرون! اوردن مهدی عبدی به تیم رسید تا فیل از ۱۰ بازیکن گل در طول تاریخ برگزاری دربی بزرگ تهران بیش از ۱۰ بازیکن تعویضی بودهاند که مهم ترین شان را مرور می کنیم.

بنکشون

در لیگ چهارده جرج بنگشون هندوراسی که در دقیقه ۵۵ به عنوان بازیکن تعویضی به زمین آمده بود موفق شد در تلبه های پایانی روی برگشت شوتی که رامین رضاییان به سمت دروازه استقلال زد بود در یک فعل و انفعال جعبه دروازه استقلال را بارکرد.

زاید

پرسپولیسی ها در دربی ۷۴ مصطفی دنیزلی ترک را روی نیمکت خود دمیدند و دو بر صفر عقب بودند. دنیزلی که مرد تعویض های طلایی در دربی در تاریخ بازی زاید، مهدی میچی کیاسو حسین پلاسکی را به عنوان بازیکن تعویضی به زمین آورده بود موفق شد با هت تریک زاید حمامه خلق کند.

شیرضایی

دربی پنجاه و هشتم شیت رضایی که نخستین بازی خود در دربی را تجربه می کرد و به عنوان بازیکن تعویضی به زمین آمده بود توانست با ضربه سر کار را به تساوی بکشاند. بعد از گل رضایی، سپهراب انتظاری دیگر بازیکن تعویضی پرسپولیسی ها را پیش انداخت. با وجود اینکه شاگردان پروین ۲ بر یک از حریف خود پیش افتاده بودند اما این پایان کار نبود و استقلالی ها توسط مصطفی قوری و پیروز قرباغی در دقایق پایانی دو گل به پرسپولیس زدند.

علیرضا اکبرپور

ایلی های تهران در استدامه سال ۱۳۷۹ رقیب سنتی خود پرسپولیس را شکست دادند. زنده یاد منصور پورحیدری در آن بازی در نیمه دوم علیرضا اکبرپور را به جای فرشاد مجیدی به زمین فرستاد و این بازیکن روی پاس سیروس دین محمدی موفق شد تک گل بازی را به ثمر بسازد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت اسناد و املاک جزء ثبت شهر تربت جام
هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برای شماره ۰۷۰۰۰۳۸۸ - ۱۳۹۸۴۰۳۰۶۰۷۰۰۰۳۸۸ - ۹۸/۹/۷ هیئت اول / دوم کلاسه ۸۸/۹۷ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی اعتراضی نداشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از آخر شنبه، بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۹۸۰۳۲۵۵ تاریخ انتشار: ۹۸/۹/۲۵
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۸/۰۶/۱۷
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۳۹۸/۰۷/۰۱
غلامرضا افزاده | رئیس ثبت اسناد و املاک تایباد

اداره کل ثبت اسناد واملاک استان جنوبی
اداره ثبت اسناد واملاک حوزه ثبت ملک بیرجند
هیئت موضوع قانون تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برای شماره ۰۰۰۰۳۰۰۳ - ۱۳۹۸۴۰۳۰۶۰۰۰۰۳۰۰۳ - ۹۸/۹/۱۶ هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بیرجند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم فرخ محمدیان فرزند محمد بشماره شناسنامه ۳۰۲ صادره از

سخنی با خوانندگان

روزنامه قدس از امروز به قیمت هزار تومان عرضه می‌شود

از افزایش قیمت روزنامه تا ضمیمه‌های روزانه

فرهنگ و هنر: وضعیت نامناسب تهیه و توزیع کاغذ و مواد اولیه مورد نیاز مطبوعات و نشریات در دوره‌های اخیر موجب ایجاد مشکلات فراوانی برای رسانه‌های مکتوب کشور شده و این مشکلات سبب شده قیمت تمام شده کاغذ و مواد اولیه در ماه‌های اخیر به صورت بی‌سابقه‌ای سیر صعودی به خود بگیرد. به همین دلیل روزنامه‌های سراسری چاره‌ای جز افزایش بهای تک فروشی یا کاهش چشمگیر صفحات خود ندارند. روزنامه قدس نیز برای ادامه فعالیت حرفه‌ای رسانه‌ای باید در این زمینه تصمیم می‌گرفت و به ناچار مسئولان روزنامه گزینه نخست یعنی افزایش بهای روزنامه را انتخاب کردند تا از این طریق هم بخشی از مشکلات ناشی از گرانی کاغذ و مواد اولیه چاپ کاسته شود و هم به روند تولید محتوا برای مخاطبان خللی ایجاد نشود. سرمایه اصلی روزنامه در تمام سال‌ها اعتماد و همراهی مخاطبان همیشگی‌اش بوده است. به همین دلیل معتقدیم خوانندگان روزنامه دلیل این افزایش قیمت را درک و به مجموعه رسانه‌ای قدس در ناگزیر بودن این افزایش قیمت اعتماد می‌کنند.

برهمین اساس از امروز روزنامه قدس با قیمت هر شماره ۱۰ هزار ریال عرضه می‌شود. البته ذکر این نکته لازم است که این امر موجب می‌شود عزم همکاران ما برای تولید محتواهای متنوع در روزنامه قدس بیشتر شود. این امر که از مدتی قبل آغاز شده و به مرور تکمیل خواهد شد، با تلاش همکاران تحریریه روزنامه ادامه خواهد یافت و خوانندگان می‌توانند در حوزه‌های مختلف، آخرین اخبار، گزارش‌ها و تحلیل‌ها را در روزنامه بخوانند. روزنامه در حال حاضر با ارائه روزانه سه بسته خبری و ضمیمه‌های روزانه سعی دارد نیازهای خبری و رسانه‌ای خوانندگان را تأمین کند. بسته خبری نخست شامل اخبار و گزارش‌های خبری و تحلیلی در حوزه‌های سیاسی، بین‌الملل، اقتصادی، معارف، اجتماعی و صفحه آستان است. در بسته خبری دوم که به عنوان قدس زندگی عرضه می‌شود، علاوه بر پرونده‌های خبری و تفسیری درباره رویدادهای روز، به حوزه‌های پرطرفدار ورزش و هنر پرداخته می‌شود. بسته خبری دیگری که هر روز در قدس منتشر می‌شود، در استان‌های خراسان به عنوان قدس خراسان به اخبار و رویدادهای سه استان خراسان رضوی، شمالی و جنوبی می‌پردازد و در تهران با عنوان قدس میهن رویدادهای خبری چهارگوشه ایران را بازتاب می‌دهد.

همچنین روزنامه قدس با تعریف ضمیمه‌های روزانه سعی کرده است، توجه ویژه خود را به برخی موضوعات معطوف کند. در ضمیمه‌هایی که فعلاً منتشر می‌شود روزهای یکشنبه، خواننده «نقطه سرخط» خواهید بود که به موضوع جوانان و بیانیه گام دوم رهبر معظم انقلاب می‌پردازد. ضمیمه «چراغ» در روزهای دوشنبه به تحلیل وقایع تاریخ معاصر ایران اختصاص دارد و سه‌شنبه‌ها خواننده «بیت‌المقدس» هستید که به جهان اسلام، بیداری اسلامی و جبهه مقاومت اختصاص یافته است. در روزهای چهارشنبه، ضمیمه «مثبت روایت » منتشر خواهد شد که به نگاهی دیگرباره و متفاوت به رویدادهای هفته اختصاص دارد. پنجشنبه‌ها هم کودکان ضمیمه ویژه خود یعنی «کفشدوزک» را در روزنامه می‌یابند. این ضمیمه‌ها با انتشار زودهنگام، «محتشم» ویژه ادبیات و هنر انقلابی و آیینی در روزهای شنبه تکمیل خواهد شد.

خبر

پارسا پیروزفر «مولانا» می‌شود

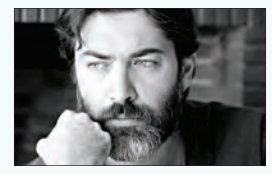

نقش مولانا در فیلم سینمایی «مست‌عشق» به کارگردانی حسن فتحی به پارسا پیروزفر رسید تا این بازیگر در کنار شهاب حسینی که پیش‌تر برای نقش شمس انتخاب شده بود، به ایفای نقش بپردازد. پس از گمانه‌زنی‌های رسانه‌ای در روزهای اخیر و توجه ویژه رسانه‌ها به این فیلم، با معرفی بازیگر نقش مولانا، پروژه «مست عشق» به کارگردانی حسن فتحی وارد مراحل پایانی پیش تولید خود شد. همان گونه که پیش‌تر اعلام شد، فیلم تولید مشترک ایران و ترکیه است و به برشی از زندگی شمس و مولانا در شهر قونیه می‌پردازد. مهران برومند، تهیه‌کننده «مست عشق» است، فیلم‌نامه را فرهاد توحیدی و حسن فتحی نوشته‌اند و شهاب حسینی در نقش شمس تبریزی بازی خواهد کرد.

کارگردان مستند «مهین» در مشهد:

می‌خواستیم نشان دهیم یک آدم چگونه تبدیل به قاتل می‌شود

فرهنگ و هنر: اکران و نقد و بررسی فیلم «مهین» از مجموعه فیلم‌های گروه هنر و تجربه با حضور کارگردان آن در پردیس سینمایی هویزه مشهد برگزار شد. محمدحسین حیدری، کارگردان مستند «مهین» با بیان اینکه یکی از سختی‌های کار برای من این بود که نخستین فیلم بلندم را تجربه می‌کردم ، درباره مدت زمان تولید نخستین تجربه کارگردانی‌اش اظهار کرد: تولیدمان یک بازه ۱۹ روزه در قزوین بود. ما یک چیز خیلی کلی نوشته بودیم که از فیلم‌های آرشیوی استفاده کنیم. یکسری مصاحبه‌ها بود که به خاطر حساسیت‌ها هنوز نگرفته بودیم و گفتیم اول تولیدمان را شروع کنیم بعد برویم جلو. ما یک چیزی به اسم فیلم‌نوشت درست کردیم، صحنه‌هایی که باید بازسازی می‌شد را گرفتیم. جزئیات را کسی غیر از خودم نمی‌دانست. ما تعدد لوکیشن داشتیم، شاید در روز پنج لوکیشن می‌رفتیم. ما کل تلاشمان این است که فضای کلاسیک مسیر درست خود را داشته باشد. شروع ، پایان، اوج و فرود همه این‌ها وجود دارد البته نسخه‌های فیلم‌نامه‌مان خیلی تغییر کرده است.

وی همچنین گفت: در پلان اول فیلم ما همه چیز را لو دادیم چون نمی‌خواستیم از تعلیق استفاده کنیم بلکه هدف ما چیز دیگری بود. ما می‌خواستیم پله پله نشان دهیم یک آدم چگونه تبدیل به قاتل می‌شود. برخی به من می‌گویند خیلی‌ها در شرایط مهین قرار دارند ولی کارگری می‌کنند یا کار می‌کنند و آدم نمی‌کشند اما این یک قضاوت است. اگر همه به این شکل بودند که ما حالا یک جامعه ایده‌آل داشتیم. ما باید حواسمان به این باشد که هرکسی ظرفیتی دارد و برخی نمی‌توانند تحمل کنند. اگر کمی حواسمان به دور و اطرافمان باشد شاید این حوادث کمتر شود.

شعر دفاع مقدس از کجا به کجا رسیده است؟

حرکت از حماسه به تفکر

فرهنگ و هنر/ خدیجه زمانیان| در نخستین ماه‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی که گونه‌ای از ادبیات به نام ادبیات انقلاب پا به میدان گذاشته بود و از ارزش‌های انقلاب دم می‌زد، جنگ تحمیلی آغاز شد و گونه‌ای از شعر به نام «شعر دفاع مقدس» از دل ادبیات انقلاب پا به عرصه وجود گذاشت. شعری برآمده از بطن واقعیتی ناگزیر به نام «شعردفاع مقدس».

شعر دفاع مقدس که در همان سال‌های آغازین با شور و حماسه درآمیخته بود و عمدتاً از سوی پیشکسوتانی که در شعر انقلاب نیز طبع‌آزمایی کرده بودند، سروده می‌شد، در دوره نخست وظیفه تهییجی و تبلیغی را بر عهده داشت. این شعر پس از جنگ نیز مسیر خود را ادامه داد و با پایان جنگ متوقف نشد. شعر دفاع مقدس در سال‌های پایانی جنگ و سال‌های آغازین دهه ۷۰ به شعر اعتراض تبدیل شد، اعتراض به فراموشی ارزش‌های دفاع مقدس و در دهه ۸۰ نیز این نوع شعر ادامه یافت و اکنون در آغازین سال‌های دهه ۹۰ شاهد افول این شعر در بعد کمیت هستیم. البته عده‌ای از شاعران معتقدند اکنون باید بازتعریفی نسبت به شعر دفاع مقدس داشته باشیم. شعر دفاع مقدس در روزگار معاصر باید با توجه به سیر تکوینی که داشته مجدداً تعریف شود و از گذر همین تعریف است که می‌توان آینده پیش‌روی آن را روشن‌تر کرد.

تعقل و خردگرایی؛ گفتمان امروز شعر دفاع مقدس

حمیدرضا شکارسری، یکی از شاعرانی که معتقد است شعر دفاع مقدس را باید در هر دوره با توجه به گفتمانی که در آن قرار داشته بررسی کرد. گفتمان امروز شعر دفاع مقدس نیز تعقل و خردگرایی است و اگرچه کمیت شعرهای دفاع مقدس امروز رو به کاهش گذاشته شده اما در میان اشعار نه چندان پر تعداد شاعران امروز، می‌توان شاهد افزایش کیفیت اشعار بود و پختگی لازم را در آن‌ها دید. برای فزونی کیفیت نیز دستگاه‌ها و نهادهای دولتی و خصوصی باید با رویکرد حمایتی و نه هدایتی پا به میدان بگذارند.

این منتقد و پژوهشگر ادامه داد: باید بپذیریم آفرینش ادبی در زمینه شعر دفاع مقدس در سال‌های اخیر کم شده است. کسانی که در این زمینه تجربه عینی داشتند، مانند ما که زمان جنگ را درک کردیم، یا حساسیت خود را نسبت به آن سال‌ها از دست دادند، یا حرف‌ها را گفتند و حرف دیگری برای گفتن ندارند و یا توجه به فرم‌ها و ساختارهای تازه برای بیان حرف‌ها ندارند. پس بخشی این گونه از رده خارج شدند.

جوان‌ها نیز چه بسا دغدغه‌های دیگری دارند، جامعه از آن دغدغه‌های سیاسی و اجتماعی خود تا حد زیادی فاصله گرفته و به دغدغه‌های فردی‌تر متمایل شده است. گسترش فضاهای مجازی نیز به تغییر ذائقه‌ها کمک کرده است . آن سیاست‌زدگی افراطی هم که در دو دهه گذشته و پس از جنگ بر جامعه ما حاکم بوده، شعرا و هنرمندان ما را از پرداختن به مواضع سیاسی و اجتماعی مانند دفاع مقدس دلزده کرده است.

شاعر «حماسه کلمات» با بیان اینکه شاعرانی هستند که هنوز نسبت به سال‌های دفاع مقدس ادای دین می‌کنند و شعر دفاع مقدسی می‌سرایند، معتقد است، این شاعران بدون ملاحظات اجتماعی، سیاسی و امنیتی سال‌های جنگ با درونی کردن دانشی که از جنگ دارند، امروزه به آفرینش اصیل ادبی در زمینه دفاع مقدس می‌پردازند. تعداد این افراد ممکن است خیلی زیاد نباشد، اما آثارشان حاوی آن ارزشی است که شعر دفاع مقدس همیشه در افق آرزوهای خود داشته است، مثلاً کتابی از آقای شرفی خبوشان با عنوان «نامت را بگذار وسط این شعر» در انتشارات شهرستان ادب منتشر شد که من در آن شاهد رئالیسم بی‌رحم و در عین حال رمانتیسم نرم و پراحساسی بودم که در شعر جنگ ما کم‌نظیر بود.

وظیفه شعر، پاسخ به پرسشگری‌هاست

محمود اکرامی‌فر هم نظری شبیه به شکارسری دارد، او معتقد است: عده‌ای می‌گویند چون سال‌ها از دفاع مقدس گذشته ، نمی‌توان راجع به این واقعه حرف زد حال آنکه قریب به ۱۴۰۰ سال از واقعه عاشورا می‌گذرد و ما هنوز در قالب خلق آثار هنری راجع به آن حرف می‌زنیم.

خالق مجموعه «دریا تشنه است» با بیان اینکه پس از گذشت چهار دهه باید روایت تازه‌ای از جنگ داشته باشیم ، ادامه می‌دهد: مطمئناً دیگر نمی‌توان با نگاهی تهییجی و حماسه گونه در خصوص دفاع مقدس شعر سرود چون انگیزه‌ها تفاوت کرده است . آن زمان شعر باید برای مردم انگیزه ایجاد می‌کرد تا به جبهه بروند اما اکنون زمان پرسشگری است و اگر نگاه تبیینی به شعر دفاع مقدس وجود داشته باشد، این شعر موظف است به سؤال نسلی که در خصوص «چرایی» جنگ پرسش می‌کند با زبان هنر پاسخ دهد. اکرامی‌فر با بیان اینکه مدت‌ها از جنگ جهانی دوم می‌گذرد اما با توجه به این واقعه اثر هنری خلق می‌شود، می‌گوید: هنوز رد گلوله‌های جنگ ایران و عراق بر در و دیوار شهرهایمان دیده می‌شود، سنگرهای جبهه‌های خرمشهر، چذابه، کردستان و مهران سر جایشان هستند، هنوز زخمی‌های دفاع مقدس روی ویلچر نشسته‌اند و هنوز مادران منتظر پیدا شدن پیکرهای فرزندانشان هستند، در این شرایط نباید از دفاع مقدس حرف بزنیم؟

البته که نمی‌توانیم نگاه تهییجی به دفاع مقدس داشته باشیم اما یک عمر می‌توان سخن از زلف یار گفت. این شاعر در پایان گفت: ما همیشه می‌توانیم نگاهی تفسیری و تحلیلی راجع به دفاع مقدس داشته باشیم چون همواره در خصوص این واقعه پرسشگری می‌شود و هنر موظف است در قالب شعر، داستان ، خاطره و یا هنرهای تصویری و تجسمی به این پرسش‌ها پاسخ دهد.

شعر مقاومت در ادامه شعر دفاع مقدس

در ادامه این گزارش به سراغ صادق رحمانی رفتیم و نظر او را در خصوص وضعیت فعلی شعر دفاع مقدس و اینکه آیا هنوز ژانر دفاع مقدس وجود دارد، پرسیدیم. این شاعر

گفت: از نظر موضوعی شعر دفاع مقدس تغییراتی کرده دلیل آن هم این است که ما در فضای جنگ و جهاد قرار نداریم بلکه شعر دفاع مقدس مفهوم ، موضوع و محوریتش به سمت مقاومت تغییر کرده در نتیجه می‌توانیم بگوییم شعر مقاومت امروز، ادامه شعر دفاع مقدس است که فضای جغرافیای بیشتری را دربرمی‌گیرد. مقاومتی که ملت‌های ستمدیده در مقابل حاکمان زور و ستم مدنظر دارند.

این شاعر ادامه داد: در شعر مقاومت شهادت، مقاومت، آزادی‌خواهی و عدالت سه ضلع محتوایی شعرها هستند که این مفاهیم در شعر مقاومت تبلور پیدا کرده اما جریان شعر دفاع‌مقدس همچنان ادامه دارد چنانکه شعر مقاومت قبل از جنگ ما هم وجود داشت و همچنان هم خواهد بود.

وی در پایان گفت: با موضوع دفاع مقدس آثار هنری در قالب خاطرات دفاع مقدس، داستان، سینما و تئاتر خلق می‌شود اما شعر دفاع مقدس در قیاس با این قالب‌ها رشد چشمگیری نداشته و شاعران کمتر به موضوع دفاع مقدس توجه کرده‌اند.

پیشنهاد امروز

«سربدار»ی که نوشته شد

فرهنگ و هنر: پیشنهاد امروز ما به شما خواندن کتابی از داوود امیریان است. بسیاری امیریان را با کتاب‌های طنزی که با موضوع دفاع مقدس نوشته است، می‌شناسند، کتاب‌هایی مثل «رفاقت به سبک تانک» و «جام جهانی در جوادیه» اما امیریان در همه ژانرهای دفاع مقدس اثر دارد. برای همین هر کتابی که از این نویسنده به دست می‌گیرید ، شک نکنید از خواندنش پشیمان نمی‌شوید. کتاب «سربدار» نوشته داوود امیریان است که نشر «ستاره‌ها » در سال ۱۳۹۶ آن را منتشر کرده و به سبک زندگی‌نامه داستانی نوشته شده است. «سربدار» شرح زندگی‌نامه داستانی شهید محمد فرومندی است. کتاب از این جهت اهمیت دارد که امیریان پیش از نوشتن درباره فرومندی او را نمی‌شناخته و با تحقیقاتی که انجام می‌دهد و اطلاعاتی که راجع به شهید جمع‌آوری می‌کند، به شناخت او می‌رسد. به همین دلیل این کتاب به راحتی مخاطب را با خود همراه می‌کند. امیریان راجع به این اثر می‌گوید: سال ۸۴ آقای علیرضا مهرداد با من تماس گرفت و به من گفت می‌خواهد درباره چند سردار شهید کتاب نوشته شود. من وقتی مختصری از زندگی و شخصیت شهید فرومندی را شنیدم خیلی خوشم آمد و خواستم من کتاب زندگی‌نامه این شهید بزرگوار را بنویسم. نویسنده کتاب «گردان قاطرچی‌ها» در ادامه با بیان اینکه زندگی شهید فرومندی فراز و نشیب‌هایی دارد که باید نوشته می‌شد، درباره شخصیت شهید و انگیزه نوشتن این کتاب می‌گوید:شهید

فرومندی در کسوت پاسدار پای آرمان‌هایش ایستاد، به خاطر آرمان‌هایش کتک خورد، تهمت شنید، با ظلم و بی‌عدالتی که یکی از مسئولان وقت انجام می‌داد، جنگید و به خاطر آرمان‌خواهی‌اش، همان زمان از سپاه اخراج شد، اما دلسرد نشد. در سخت‌ترین شرایط به نظام و انقلاب پشت نکرد و خدمتش را انجام داد. او در لباس بسیجی به جبهه رفت یعنی به نظام پشت نکرد و در هر حال خدمت کرد. کسانی که وی را متهم کرده بودند و سبب خروج او از سپاه شده بودند به اشتباه خود پی بردند و با خواهش دوباره لباس سپاه را به تن او پوشاندند. او در عملیات کربلای ۵ شهید شد. امیریان گفت: آیا برای نوشتن داستان، شخصیتی بهتر از این باید وجود داشته باشد؟ فراز و فرودهای زندگی شهید فرومندی باید در ادبیات ما ثبت می‌شد و اگر این اتفاق نمی‌افتاد، ادبیات دفاع مقدس حتماً چیزی کم داشت.

درنگ

به جای پاپیون زدن، گره‌گشایی کنید

فرهنگ و هنر/ زهره کهندل: قرار است عصر چهارشنبه این هفته، مراسم نکوداشتی برای «فریماه فرجامی» بازیگر زن پیشکسوت کشورمان از سوی کانون فیلم خانه سینما برگزار شود.

پاسداشت پیشکسوتان سینما و از یادرفتگان کار خوبی است که موجب دلگرمی قدیمی‌های یک صنف و توزیع معرفت در بین جوان‌ترها و تازه‌کارها می‌شود اما آنچه در این بین اهمیت دارد اولویت در انجام کارهاست. خانه سینما بزرگ‌ترین نهاد صنفی سینماگران ایران است که حفظ و صیانت از حقوق مادی و معنوی دست اندرکاران حرفه‌ای تولید، توزیع و نمایش هنرصنعت سینما و همچنین ایجاد امنیت شغلی و تأمین اجتماعی و ارتقای سطح آموزشی و حرفه‌ای دست‌اندرکاران سینمای ایران از جمله وظایف این تشکل است. این تشکل صنفی باید حامی هنرمندان سینما باشد و مشکلات سینماگران را برطرف کند اما گویا به جای باز کردن گره مشکلات، با برگزاری مراسم نکوداشت، دارد روی این گره پاپیون می‌زند. فریماه فرجامی مدت‌هاست که در سینما حضور ندارد و نزدیک به دو دهه از غیبتش روی پرده نقره‌ای می‌گذرد. تنها حضور سینمایی او در دهه اخیر، بازی کوتاهی در فیلم «نیم» بوده که اکران سینمایی هم نشده است. این بازیگر که مدت زیادی در بستر بیماری بود و به خاطر بیماری‌اش از بازیگری فاصله گرفته است، چندین بار از علاقه‌مندی‌اش به بازگشت به دنیای سینما و تلویزیون گفته است اما خانه سینمایی که بناست این هفته برایش نکوداشت بگیرد، تاکنون قدمی برای بازگشت دوباره او به عرصه بازیگری برنداشته است.

اگر خانه سینما قرار است قدمی جدی و ماندگار برای پیشکسوتان و فراموش‌شدگان سینما بردارد، آن‌ها را به سینما برگرداند. برگزاری نکوداشت و نمایش تیزری از فعالیت هنری بازیگر پیشکسوت و چند سخنرانی پرتعارف، از دردهای یک هنرمند خانه‌نشین کم نمی‌کند. خانه سینما باید فراموش شدن سینما را از محاق فراموشی بیرون بیاورد. خانه سینما به عنوان صنفی که دیگر اصناف سینمایی زیرمجموعه آن هستند باید برای بازگرداندن هنرمندان خانه‌نشین به عرصه سینما با صنف تهیه‌کنندگان یا صنف کارگردانان رایزنی کند.

پیشکسوتان با برگشت دوباره به صحنه، امید و جان تازه می‌گیرند و نه کف و سوت‌هایی که برای گذشته پرافتخارشان زده می‌شود و به چند ساعت نکشیده، دوباره فراموش و خانه‌نشین می‌شوند . فریماه فرجامی متولد سال ۱۳۳۱ دانش‌آموخته دانشکده هنرهای دراماتیک است. او در سال ۱۳۵۹ با فیلم «گفت هر سه نفرشان» به کارگردانی غلامعلی عرفان وارد عرصه سینما شد و در نهمین جشنواره فیلم فجر، سیمرغ بلورین نقش اول زن را برای فیلم پرده آخر کسب کرد. فرجامی که در عرصه‌های گویندگی، بازیگری تئاتر، سینما و تلویزیون در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ فعالیتی جدی و پرکار داشت، از اوایل دهه ۸۰ در هیچ فیلم و سریالی بازی نکرد و فقط سال ۹۴ در فیلم «نیم» ایفاگر نقش کوتاهی بود.

دیدگاه

انقلاب اسلامی به رسانه‌های جهانی نیاز دارد

شلیک به اشباح با سلاح تصویر

فرهنگ و هنر/ محمد پارسا نجفی| بخش بزرگی از بحران در کشورهای سوریه و ونزوئلا، از مسیر فعالیت اشباحی شروع شد که توانستند روند تفکر ملت‌ها را تغییر دهند. از این رو داشتن قدرت مقابله با این اشباح همان اندازه مهم است که توان نظامی مهم است. آن‌ها اسلحه ندارند که در عمل کاری انجام دهند و خود رسانه هم نیستند بلکه این اشباح اقدام با تولید داده‌های ساختگی، حقایق را وارونه می‌کنند و نحوه فکر مردم نیز با اطلاعات اولیه غلط به نتیجه اشتباه می‌رسد. پس سوریه را می‌توان به دست مردمش نابود کرد، به همین سادگی. در واقع هیزم همه آتش‌ها در موج بزرگی از فعالیت‌های رسانه‌ای شکل می‌گیرد که هرگز نمی‌توان به صورت سلبی آن را خاموش کرد. دنیای دیروز هم نمی‌توانست در برابر افکار عمومی ساکت باشد چه رسد به زمانه‌ای که اطلاعات به سرعت نور حرکت می‌کند. شبکه‌های تلویزیونی، شبکه‌های اجتماعی و دهها ابزار دیگر برای تغییر رویکرد فکری مردم کشور هدف به صحنه می‌آیند و اگر نیروی قابلی رویاروی مهاجمان نباشد، نمی‌توان آن ملت را نجات داد و بدتر آن که این اشباح اگر نابود نشوند به سراغ ملت‌های دیگر هم می‌روند و کسی در امان نیست.

مهم‌تر از تهاجم نظامی

در ابتدای جنگ سوریه بود که رسانه‌های جریان سلطه مانند بی‌بی‌سی عربی، الجزیره، العربیه، تی آر تی عربی و... شروع به ارائه اطلاعات دروغ کردند. مردم به هیجان آمدند و به جای استفاده از مسیرهای درست برای احقاق حق خود به دامان وهابی‌های القاعده پناه بردند. ابتدا گروهای کوچکی از ارتش سوریه جدا شدند و به تدریج النصره و ارتش آزاد شکل گرفت. همین موج در عراق تکثیر شد و داعش نیز به میدان آمد.

اما رسانه‌ها اطلاعات را از کجا آوردند؟ نیاز به گزارشگران میدانی است و اشخاصی که بتوانند صحنه میدان را براساس اهداف تعیین شده چیده باشند. اگر مردم سوریه و عراق می‌دانستند چه در انتظارشان است قطعاً آدم‌کش‌های القاعده و داعش را درست می‌دیدند و در آن صورت شهر و روستای خود را در اختیار این جنایتکاران قرار نمی‌دادند و شاهد نابودی سوریه نبودیم. این همه خونریزی به خاطر داشتن تصور غلطی بود که تلویزیون‌های جریان سلطه براساس فعالیت شبح‌هایی مانند کلاه سفیدها مقابل دیدگان مردم سوریه قرار داده بودند.

تخصص این شبح‌ها همان جنگ رسانه‌ای و راه رفتن روی اعصاب مردم بود. حقایقی که پنهان می‌شدند و نمایش وقایعی که روی نداده بودند. تفکر هر انسانی با داشتن اطلاعات اولیه اشتباه به نتیجه‌ای غلط منجر می‌شود. کلاه‌سفیدها و امثال آن‌ها همین عملکرد را در سوریه انجام دادند.

در خلال جنگ سوریه، بمب شیمیایی توسط ارتش این کشور استفاده نشده بود اما اشباح توانستند برخی مردان سوریه و عراق را فریفته و سوار بر خودروهای انتحاری کنند، خانه‌های مردم به سنگرهای هزار تو تبدیل شد و زنان و دختران سوریه به آن وضعیت گرفتار شدند و... .

این همان مفهوم آزادی برای سوریه بود که شبح‌های رسانه‌ای مخفی کردند اما در تصاویر شبکه‌های برون مرزی ایران به ویژه پرس تی وی، حقیقت ماجرای اشباح به نمایش درآمد. تلاش‌های این شبکه در پرده‌برداری از عمق فجایع داعش، تلاش قدرت‌های بزرگ برای جانبداری عملی از آن و افشای گروه‌هایی مثل کلاه سفیدها که بهانه و دستاویزهایی مثلاً موجه بین‌المللی را با دروغ‌هایشان زمینه‌سازی می‌کردند، بر هیچ‌کس پوشیده نیست. پرس‌تی‌وی، العالم، هیسپان تی وی، سحر، الکوثر و تعدادی رسانه محدود دیگر، تنها فریادکنندگان علنی پشت پرده فاجعه سوریه و عراق بودند. پرس تی وی توانست با شلیک حقیقت از طریق سلاح تصویر، اشباح در سوریه را رسوا کند تا پرده‌های ابهام کنار رود و ماهیت واقعی جریان‌های مسلح وهابی رمزگشایی شود.

لاجرم آنچه کلاه سفیدها و در ادامه دولت‌های غربی رشته کرده بودند، پنبه شد.

البته دیگر کار از کار گذشته بود؛ یک کشور ویران شد و کل جمعیت آن گرفتار جنگی شده بود که به واقع کسی نمی‌دانست اصلاً چرا با این شدت شروع شده بود. همه انقلاب‌ها در تاریخ یا پیروز می‌شوند یا شکست می‌خورند اما هیچ کشوری مانند سوریه با خاک یکسان نمی‌شود. این مسائل به سادگی نشان می‌دهد که مشکل سوریه داخلی نبوده است. رسانه‌های جریان غربی - عربی، فضای فکری سوریه را چنان تغییر می‌دادند که مردم به دست خود کشورشان را تقدیم دشمنان کنند.

چه باید کرد؟

در زمانی که ویروس تروریسم کشوری را درگیر سازد، تنها نمی‌توان به سلاح و ارتش متوسل شد. چنان که همان نیروهایی که تا دیروز در خدمت به کشور هستند ممکن است ناگفته علیه ملت خویش اقدام کنند. این تنها یکی از تأثیرات جنگ روانی است. گویی دشمن از شبح‌هایی تشکیل شده که در فکر مردم حلول می‌کند.

در یک جنگ داخلی هر هموطنی می‌تواند به یک اندازه تبدیل به یک دشمن یا دوست شود اما قبل از مراحل ویرانگر نظامی که ابعاد فیزیکی را در برمی‌گیرد، یک نبرد شدید و سراسر فعالیت وجود دارد و آن افشای حرکات اشباح رسانه‌ای است.

در این وضعیت باید کسانی را یافت که به جنگ این نوع تروریسم بروند. قطعاً نمی‌توان تبلیغات را با سلاح نابود کرد اما برای تغییر شرایط باید شکارچی اشباح را به کار گرفت.

این اشباح نظامی نیستند بلکه ماهیتی کاملاً رسانه‌ای و تصویری دارند پس باید با سلاح تصویر و خبر تحلیلی به کارزارشان رفت. پرس تی وی توانست این افشاگری را انجام دهد.

یک قدم جلوتر این بود که روحیه سازمان رزم وهابی‌هایی نظیر داعش درهم بشکند و این مسیر پیموده نشد مگر با نشان دادن نقاط ضعف شدید اما مخفی تروریست‌هایی مانند النصره، داعش و ... در رسانه‌های برون مرزی مانند پرس تی وی. اتفاقی که باید مغتنم داشته شده و برای تقویتش از هر حیث کوشید.

شبکه‌های برون مرزی ایران، سرآمدان رسانه‌های جبهه مقاومتند. این موضوع را نباید دست کم گرفت.